

رمزگشایی کدهای ژئوپلیتیک عراق در تهاجم به ایران (با تأکید بر کد بازنمایی و تصویرسازی ژئوپلیتیک)

سید هادی زرقانی (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

h-zarghani@um.ac.ir

ابراهیم احمدی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

ebrahimahmadi1365@yahoo.com

چکیده

کد ژئوپلیتیک، مجموعه‌ای از پیش فرض‌های سیاسی - جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی کشورها معرفی کرده‌اند؛ به گونه‌ای که هر کشوری، کدهای متعدد و منحصر به فردی را دارد و معمولاً بر اساس وزن ژئوپلیتیک و ماهیت اهدافش این کدها را عملیاتی و از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند. هدف این مقاله رمزگشایی از کدهای ژئوپلیتیک عراق در تهاجم به ایران است. در واقع مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که مهمترین کدهای ژئوپلیتیک عراق در تهاجم به ایران کدامند؟ در این نوشتار کدهای مفروض عراق بیشتر بر اساس ذهنیت دولت بعثی صدام مورد بررسی قرار گرفته است، که مبین هدف اصلی تهاجم عراق به ایران است. اغلب، جنگ ایران و عراق را ناشی از زیاده‌خواهی صدام در عهدنامه الجزایر دانستند، ولی به نظر می‌رسد اختلافات مرزی بر سر اروند، یگانه عامل نزاع نیست. وقوع انقلاب در ایران شرایطی را پیش آورد تا صدام تصویر دلخواهش را از انقلاب ایران به کمک برخی از قدرت‌ها به دیگران بقبولاند. وی موفق شد تا با برانگیختن حس ناسیونالیسم اعراب آن‌ها را با خود همراه سازد. در حقیقت هدف اصلی صدام دستیابی به اهدافی - نظیر: دستیابی به قدرت اول منطقه‌ای، تصرف منابع انرژی خوزستان و ورود به خلیج فارس از طریق تسلط بر اروند (غلبه بر تنگنای ژئوپلیتیک عراق) بودند که در حکم کدهای ژئوپلیتیک ترسیمی و مورد نظر صدام قابل طرح هستند. این پژوهش بر اساس ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود. اطلاعات مورد نیاز به شیوه اسنادی و با مراجعه به منابع معتبر چون کتب، مقالات و گزارش‌های معتبر گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها: ایران، عراق، کدهای ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک بازنمایی.

مقدمه

پس از زندگی، قدیمی‌ترین پدیده جهان هستی جنگ است و عمر آن نه تنها به اندازه عمر بشر طولانی است، بلکه میلیون‌ها سال پیش از اینکه انسان پا به عرصه وجود بگذارد، تحت عنوان «قانون جنگل»، جنگ بین حیوانات را غیر قابل انکار کرده است. به تعبیری، تا زمانی که اختلاف سلیقه بین ساکنین کره زمین وجود دارد، تفکر جنگیدن و پدیده جنگ نیز وجود خواهد داشت. عذصر اصلی جنگ، انسان است و او است که از آن به منزله آخرین و سیله حل و فصل اختلافات خود و یا قبولاندن و تحمیل اراده خویش به حریف بهره‌برداری می‌کند. آنچه مسلم است جغرافی دانان به طور اعم و جغرافی دانان سیاسی به طور اخص، به ویژه ژئوپلیتسین‌ها، می‌توانند در پیدایش و یا جلوگیری از جنگ در هر دو مقیاس محدود و نامحدود، نقش مؤثری داشته باشند (Ezzati, 2007: 139-140). تفکرات ژئوپلیتیک سیاست‌مداران و سیاست‌های ژئوپلیتیک دولت‌ها در شکل‌گیری جنگ سوای از دلایل و عوامل متعددی که وجود دارد، غیر قابل انکار است؛ بی‌دلیل نیست که «کالین فلینت» در بحث‌های جدید ژئوپلیتیک خود، عملکرد ژئوپلیتیک را دو مرحله می‌داند- نخست اعمال سیاست‌های ژئوپلیتیک و سپس وانمود کردن جز هدف اصلی و مورد نظر. برای مثال ایالات متحده برای ایجاد کنترل بر منابع نفتی به کشورهای خاورمیانه حمله‌ور می‌شود ولی وانمود می‌کند که این حمله برای دفاع از حقوق بشر و توسعه دموکراسی در آن کشورها بوده است (Mojthedzadeh, 2013: 13). در واقع کشورها نه بر اساس چیزی که مدعی آن هستند، بلکه بر اساس پیش‌کدهای ذهنی خود مرتکب عملی نظیر جنگ می‌شوند- که همان هدف اصلی آن‌ها و در اصل همان کدهای ژئوپلیتیک مورد نظر آن‌هاست. به عبارتی، رفتاری که دولت‌ها از طریق آن هستی خود را برای جهان توجیه می‌کنند، کد ژئوپلیتیک آن دولت نامیده می‌شود. در شمار؛ هر کشوری کدهای متعدد و منحصربه‌فرد خود را دارد و معمولاً بر اساس وزن ژئوپلیتیک و ماهیت اهدافش این کدها را عملیاتی می‌کند. در این باره فلینت با ذکر مثال‌هایی به تبیین کدهای ژئوپلیتیک می‌پردازد. وی از مواردی مانند: قدرت تخریبی تضمینی (MAD)، دیپلماسی، تحریم، تعریف و ساخت یک دشمن ویژه به عنوان کدهای ژئوپلیتیک مرسوم و مقابله‌ای نام می‌برد. در ادامه فلینت با بیان «ژئوپلیتیک بازنمایی» به عنوان جوهره پنجمین کد ژئوپلیتیک، معتقد است دشمن برای شروع جنگ و ضرورت ایجاد هراس از رقیب نیاز به توجیه (بازنمایی) دارد. در این صورت دشمنش به عنوان «وحشی» یا «شرور» به تصویر کشیده می‌شود و

سیاستش نامعقول جلوه داده می شود، به این معنی که آنها ارزش موقعیت سیاسی خود را نمی دانند و ترسیم شکل «لجام گسیخته آنها»، بدین معنی است که تنها راه کنترل آنها جنگ است (Flint, 2011: 87-88). در این چارچوب- سیاست های ترغیبی، تشویقی، تنبیهی و اعرابی صدام حسین به شکل عنصر بازنمایی در طراحی کدهای ژئوپلیتیک مورد نظر عراق جهت توجیه حمله به ایران قابل تبیین است. هرچند به ظاهر اختلاف بر سر اروند، عامل جنگ ایران و عراق شمرده می شود، ولی کدهای ژئوپلیتیک واقعی صدام برای توجیه جنگ فراتر از اختلاف بر سر اروند (قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر) بود. عراق در توجیه این عمل باید دست به بازنمایی هایی می زد، موقعیت مناسب هنگامی پیش آمد که وقوع انقلاب در ایران باعث تعارض در منافع مادی و معنوی ایران با قدرت های جهانی و برخی از کشورهای (پادشاهی سنی مذهب) منطقه ای شد. وضعیت پیش آمده موقعیت مطلوبی بود تا صدام با کمک قدرت های جهانی تصویر دلخواهش را از خطرات انقلاب ایدئولوژیک ایران به کشورهای منطقه بقبولاند. در سایه چنین تلاش هایی، عراق جهت برانگیختن حس ناسیونالیسم اعراب، خوزستان را عربستان غصب شده خواند و با عربی خواندن جزایر سه گانه خواستار بازپس گیری آنها شده و احساسات ناسیونالیستی اعراب را برانگیخت. واقعیت این است بیش از هر دلیلی، تنگناهای ژئوپلیتیک عراق در دسترسی به دریا (خلیج فارس) از طریق تسلط مطلق بر اروند رود، دستیابی به مناطق نفت خیز جنوب (خوزستان)، تفکر ام القرای جهان عرب و قدرت اول منطقه ای بودن در حکم اهداف اصلی صدام (کدهای ژئوپلیتیک وی) و دولت وقت عراق قابل تبیین اند. برای رسیدن به این اهداف صدام از هیچ کاری کوتاهی نکرد. نتیجه چنین سیاست و تصور اشتباهی، جنگ بی ثمره ای بود که نتیجه ای برای دولت وقت عراق و حزب بعث نداشت و آن طور که صدام تصور می کرد به هیچ یک از اهداف مورد نظرش (کدهای ژئوپلیتیک ترسیمی وی) دست پیدا نکرد.

تمهیدات نظری

درک ژئوپلیتیک از سیاست خارجی کشورها نیازمند تحلیل واقع بینانه از فضای جغرافیایی پیرامون یک واحد سیاسی، در مقیاس عملکردی است؛ از این جهت ژئوپلیتیک به عنوان یک عرصه مطالعاتی می تواند راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین و اولویت های اساسی آن را مشخص سازد. درک ژئوپلیتیک نسبت به نظام بین الملل به عنوان شاکله برآمده از قدرت در حال تحول دائمی جایگاه کشورها، حاوی بصیرتی عمیق برای سیاست خارجی دولت هاست. هدف نهایی ژئوپلیتیک از تشریح ساختار نظام روابط بازیگران و چارچوب های جغرافیایی قدرت، ارائه این دید به سیاست گذاران است که منابع قدرت برآیند

چه عناصری هستند و چگونه بر شکل‌گیری سیستم ژئوپلیتیک جهانی و روابط قدرت در سطح جهانی و منطقه‌ای و نیز مناسبات بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (Qalibaf & Por-Mousavi, 2008: 55). یکی از عناصر شکل‌دهنده سیاست خارجی هر کشوری در حکم اعمال قدرت، کدهای ژئوپلیتیک آن کشور است. از این حیث کد ژئوپلیتیک به عنوان پیش‌فرض‌های استراتژیک عناصر و شکل‌دهنده سیاست خارجی یک کشور نسبت به دیگر کشورها را «برنامه‌های تصویری ذهنی» آن کشور نیز می‌نامند. کد ژئوپلیتیک، در واقع، دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور در ورای مرزهایی است - که به ارزیابی مکان‌های جغرافیایی می‌پردازد (Taylor, 1994: 330).

در کد ژئوپلیتیک، یک کشور رفتار خود را نسبت به جهان تعیین می‌کند؛ بدین گونه که پنج محاسبه زیر را در نظر می‌گیرد:

۱. چه کسانی هم‌پیمانان بالقوه و فعلی ما هستند؛
۲. چه کسانی دشمن بالقوه و فعلی ما هستند؛
۳. چگونه می‌توانیم متحدین خود را حفظ، و متحدین بالقوه‌ای را ایجاد کنیم؛
۴. چگونه می‌توانیم با دشمنان فعلی و تهدیدهای نو ظهور مقابله کنیم؛
۵. چگونه چهار محاسبه بالا را برای جامعه خود و جامعه جهانی توجیه کنیم (Taylor and Flint, 2000: 62)؛ کدهای ژئوپلیتیک هر کشور، مختص آن است و کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به منافع و اهداف خود بر کدهای ژئوپلیتیک دیگران تأثیر گذاشته و آن‌ها را مورد هدف قرار دهند (Hafeznia, 2011: 144).

درواقع کشورها نه بر اساس چیزی که مدعی آن هستند، بلکه بر اساس پیش‌فرض‌های ذهنی و باطنی خود مرتکب عملی نظیر جنگ می‌شوند - که همان هدف اصلی آن‌ها و در اصل همان کدهای ژئوپلیتیک مورد نظر آنهاست. به عبارتی، رفتاری که دولت‌ها از طریق آن هستی خود را برای جهان توجیه می‌کنند، کد ژئوپلیتیک آن دولت نامیده می‌شود. در شمار؛ هر کشوری کدهای متعدد و منحصر به فرد خود را دارد و معمولاً بر اساس وزن ژئوپلیتیک و ماهیت اهدافش، این کدها را عملیاتی می‌کند. در این باره فیلت با ذکر مثال‌هایی به تبیین کدهای ژئوپلیتیک می‌پردازد. وی از مواردی مانند: قدرت تخریبی تضمینی (MAD)، دیپلماسی، تحریم، تعریف و ساخت یک دشمن ویژه به عنوان کدهای ژئوپلیتیک مر سوم و مقابله‌ای نام می‌برد. در ادامه فیلت با بیان «ژئوپلیتیک بازنمایی» به عنوان جوهره پنجمین کد ژئوپلیتیک،

معتقد است دشمن برای شروع جنگ و ضرورت ایجاد هراس از رقیب نیاز به توجیه (بازنمایی) دارد. در این صورت دشمنش به عنوان «وحشی» یا «شرور» به تصویر کشیده می‌شود و سیاستش نامعقول جلوه داده می‌شود، به این معنی که آن‌ها ارزش موقعیت سیاسی خود را نمی‌دانند و ترسیم شکل «لجام گسیخته آن‌ها»، بدین معنی است که تنها راه کنترل آن‌ها جنگ است (Flint, 2011: 87-88). چه، به اعتقاد "درک گریگوری": «... برای هدایت صحیح و مشروع خود، نیاز داریم خود را علیه گستاخی خود سرانه قرار دهیم و این گونه فرض کنیم که «ما» حقیقت را در انحصار خود در آورده‌ایم و جهان لزوماً تحت امر ما و در دستان ماست» (Carter & McCormack, 2006).

واژه بازنمایی، به دلیل قابلیت گستره معنایی، توانمندی و انعطاف پذیری بالا در پوشش مفهومی تحلیل‌های ژئوپلیتیک، به سرعت از جایگاهی قابل توجه در ادبیات ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی برخوردار، و در آراء اندیشمندان ژئوپلیتیک و تحلیل رقابت‌های ژئوپلیتیک و تبیین صحنه‌های تقابل و تعارض از موقعیت ممتازی برخوردار گشت. "یولاکست"، ژئوپلیتیسین فرانسوی از جمله کسانی است که نقش ایدئولوژی و بازنمایی را در مطالعات و تحقیقات خود بسیار برجسته نموده است. او در کتاب «عوامل و اندیشه‌های ژئوپلیتیک» مفهوم بازنمایی را این‌گونه شرح می‌دهد: «بازنمایی؛ یعنی نمایاندن و نشان دادن به شیوه‌ای قاطع، به عبارتی، طراحی کردن، زیرا اندیشه‌های ژئوپلیتیک به سرزمین‌ها رجوع می‌کنند، یعنی به «نقشه‌هایی» که بازنمایی‌ها را عیان می‌سازد، همان‌گونه که یک تابلو، شخصیتی را به تصویر می‌کشد. هر ملتی که درگیر یک موضوع ژئوپلیتیک می‌شود، سعی می‌کند خود را با بازنمایی‌های تاریخی، روابط آن‌ها و نحوه بیان ریشه‌های درگیری، که منجر به فاجعه شده آرایش دهد. به این دلیل است که واژه بازنمایی در تجزیه و تحلیل ژئوپلیتیک متمرکز بوده و از غنای لازم برخوردار است» (Lacoste & Giblin, 1999: 34). در واقع این رفتار (تصویرسازی ژئوپلیتیک) به صورت پیدا و پنهان در راستای چشم‌داشت‌های سیاسی از سوی بازیگران به‌ویژه حکومت‌ها در مناسبات با کشورها، با مردم و شهروندان خود، مناسبات احزاب و بازیگران سیاسی-اجتماعی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، ایجاد مقبولیت و کسب آراء و جابه‌جایی قدرت و به چالش کشاندن یکدیگر در افکار عمومی کشورها دیده می‌شود (Hafeznia & Kaviani-Rad, 2014: 67-68). در فرایند «تصویرسازی ژئوپلیتیک»، تولید

1 Derek Gregory

2 Yves Lacoste

تصاویر معماری شده و به تعبیر دیگر، تصاویر جعلی و القاء آن‌ها به ذهن شهروندان و پذیرش آن‌ها اهمیت اساسی دارد؛ به عبارتی در هر منازعه ژئوپلیتیک، نیروهای سیاسی هر طرف منازعه از ابزار مختلف استفاده می‌کنند تا ثابت نمایند که حق به جانب آنهاست و محق هستند سرزمین خاصی را تصرف کنند یا در سیطره خود نگاه دارند و متقابلاً ادعای رقیب را نامقبول جلوه دهند (Lacoste & Giblin: Ibid). به طور کلی امروزه بازنمایی (تصویر سازی ژئوپلیتیک) تحت عنوان یک کد ژئوپلیتیک، یکی از ابزارهای نیرومند جهت معقول جلوه دادن کنش‌های سیاست خارجی دولت‌ها است. به نظر، شناسایی کدهای ژئوپلیتیک که به عنوان پایه منطقی و توجیهی برای کنش‌های سیاست خارجی عمل می‌کنند، ضروری است (O'Loughlin, 2004: 28).

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود. اطلاعات پژوهش به شیوه اسنادی و با مراجعه به منابع معتبر گردآوری شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که مهمترین کدهای ژئوپلیتیک عراق در تهاجم به ایران کدامند؟ مفروض پژوهش آن است که کدهای ژئوپلیتیک مورد نظر صدام (به مثابه برنامه ذهنی وی) بزرگ‌ترین دلیل تهاجم عراق و جذب بعث به ایران بود. کدهای فوق در برگیرنده سه هدف اصلی صدام؛ یعنی کسب قدرت اول منطقه‌ای، دستیابی به منابع انرژی خوزستان، ورود به خلیج فارس از طریق تسلط بر اروند (غلبه بر تنگنای ژئوپلیتیک عراق) می‌باشند.

یافته‌های پژوهش

زمینه‌های شکل‌گیری نزاع ایران و عراق/ بدیل اختلافات مرزی

مرز و تغییرهای مرزی از اصلی‌ترین موضوعات مورد توجه در جغرافیای سیاسی است. اهمیت مرز در مطالعات ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی به این دلیل است که مرز جداکننده قلمروی سیاسی و حاکمیت ملت‌ها است؛ جدا از اینکه ترکیب سه پدیده سرزمین، ملت و حکومت که باعث پیدایش کشور است، در چارچوب مرز معنی دار می‌شود (Mojthedzadeh, 1993: 46-49). از گذشته و حال مؤلفه‌های اختلافات مرزی و ارضی، از بارزترین اختلافات میان کشورها بوده است. از این لحاظ که مرز یک ارزش جغرافیایی است، تنش‌های مرزی در زمره بحران‌های ژئوپلیتیک به حساب می‌آیند. خاصیت بحران‌های ژئوپلیتیک، تداوم نسبی آن‌ها است. این بحران‌ها به سادگی قابل حل و برطرف شدن نیستند (Hafeznia, 2011).

128). مرز ابزار پایه‌ای یک دولت است. هیچ دولتی بدون داشتن سرزمینی با مرزهای مشخص نمی‌تواند پیشرفت داشته باشد. مفهوم مرزها برای اثبات حاکمیت و روابط آن با دولت‌های دیگر ضروری است. نظام‌های قدرت رقیب یا یک نظام تک قطبی و حاکم بودن فضای امنیتی - نظامی در جهان از جمله عواملی است که می‌تواند در تشدید یا تخفیف اختلافات مرزی مؤثر باشد (Zarghani, 2007: 130). اگر اختلاف مرزی با توافق کامل دو کشور به‌طور دائم به حل و فصل بینجامد، منجر به افزایش تعاملات مرزی و شکوفایی منطقه خواهد شد؛ اما اگر اختلاف مرزی به صورت موقت و با رضایت نسبی طرفین یا یکی از دو کشور حل شود، مانند آتش زیر خاکستر باقی مانده و نه تنها در افزایش تعاملات مرزی نقش چندانی نخواهد داشت، به همین علت به محض بروز اختلافات بین کشورها، مرزهای سیاسی آن‌ها متأثر خواهد شد (Ezzati, 2007: 141).

در این راستا اختلافات مرزی ایران و عراق بر سر اروند (بر اساس قرارداد ۱۹۷۵) که ریشه در اختلافات مرزی ایران و عثمانی داشت، اصلی‌ترین بهانه برای شروع جنگ افروزی صدام بوده است. قراردادهای آماسیه (۱۵۵۵)، زهاب (۱۶۳۹)، کردان (۱۷۴۶)، اول ارزروم (۱۸۲۳) دوم ارزروم (۱۸۴۷)، پروتکل تهران (۱۹۰۲)، پروتکل اسلامبول (۱۹۱۳) و کمیسیون تحدید حدود (۱۹۱۴) از جمله قراردادهای مرزی‌اند که بین دو دولت ایران و عثمانی منعقد شدند. پس از آن؛ قراردادهایی نظیر: قرارداد (۱۹۳۷) یا پیمان سعیدآباد، قطعنامه (۳۴۸) شورای امنیت و سرانجام قرارداد (۱۹۷۵)، الجزایر از جمله قراردادهایی‌اند که بین ایران و عراق بسته شدند. به‌طور کلی ایران تنها در فاصله ۴۲ سال، حداقل ۱۶ قرارداد رفع اختلاف مرزی با همسایه غربی‌اش (عراق) منعقد کرد (Velayati, 1997: 80). پس از قطعنامه ۳۴۸، ایران و عراق برای حل و فصل اختلافات فی‌مابین گام‌هایی برداشته و اقداماتی صورت دادند که حاصل آن امضای چند پیمان‌نامه و تفاهم‌نامه بود. با وجود این، اختلافات همچنان ادامه داشت و در برهه‌هایی از زمان به درگیری‌های مرزی نیز کشیده شد؛ به‌گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲ بر خوردهای خونینی بین نیروهای نظامی طرفین به وقوع پیوست. به دنبال صدور قطعنامه مذکور، طرفین برای حل و فصل اختلافات گفت‌وگوهایی انجام دادند که نهایتاً در جریان تشکیل کنفرانس اوپک در الجزیره، موقعیت مناسبی فراهم شد تا بار دیگر، دو کشور با انعقاد قرارداد جدیدی به تیرگی روابط پایان دهند. مذاکراتی بین شاه و صدام حسین انجام شد که نتیجه آن، انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود (Shahid-zadeh, 1999: 331). براساس این قرارداد، دو کشور توافق کردند مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین کنند و در مرزها نیز کنترل دقیق و

مؤثری به منظور رفع هر گونه نفوذ خرابکارانه داشته باشند. این قرارداد مهم‌ترین و موثرترین توافق‌نامه‌ای بود که پس از قریب به ۵۵ سال کشمکش، بین ایران و عراق منعقد شد. مفاد اعلامیه و معاهده الجزایر به شرح زیر بود:

۱- طرفین مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ تعیین می‌کنند؛

۲- دو کشور مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین خواهند کرد؛

۳- طرفین متعهد می‌شوند بر مرزهای خود کنترل دقیق و مؤثری به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ خرابکارانه، اعمال کنند؛

۴- مقررات فوق عوامل تجزیه ناپذیری برای یک راه حل کلی بوده، در نتیجه نقض هر یک از مفاد فوق با روحیه توافق الجزیره مغایر است (Mansouri Larjani, 2003: 19).

پس از صدور این اعلامیه طی نشست‌های در سطح وزیران امور خارجه دو کشور، عهدنامه مرزی (۱۹۷۵) قرارداد الجزایر) با پروتکل‌های زیر امضاء شد:

۱- پروتکل راجع به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق؛

۲- پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه‌های بین ایران و عراق؛

۳- پروتکل مربوط به امنیت در مرز ایران و عراق؛

۴- پروتکل راجع به استفاده از آب رودخانه‌های مرزی؛

۵- پروتکل راجع به مقررات مربوط به کشتیرانی؛

۶- پروتکل راجع به تعلیف احشام؛

۷- پروتکل راجع به کلاتران مرزی؛

برای اجرای اعلامیه الجزایر، وزرای امور خارجه ایران، عراق و الجزایر از تاریخ ۱۵ مارس تا ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵، به ترتیب در تهران، بغداد، الجزیره و بغداد گرد هم آمدند و همه مفاد آن را نیز پذیرفتند. اما صدام حسین به عنوان طرف عراقی امضاء کننده عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر همواره این قرارداد را موجب حقارت خود و عراق تلقی می‌کرد (Jafari-Waldeni, 1991: 531). وی شخصاً امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را دلیل کاهش میزان محبوبیتش در نزد مردم عراق می‌دانست. از این رو، در پی آن بود تا در فرصت مناسبی این مسئله را جبران کند و در آن زمان، انقراض حکومت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی فرصت لازم را

برای وی فراهم آورد. پس از پیروزی انقلاب دولت عراق به هیچ یک از اقدامات دولت ایران، که در چارچوب قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و برای تعیین دقیق مرزها و نیز مسائل کنترل مرزها انجام می شد، اهمیت نمی داد و معمولاً مکاتبات مقامات ایرانی را بی پاسخ می گذاشت. از این رو برای زمینه سازی تهاجم به ایران، ضمن انجام تحریکاتی در داخل ایران، مانند حمایت از مخالفان انقلاب و ایجاد مشکلات قومیتی در کشور، دعاوی ارضی مختلفی را علیه ایران مطرح کرد. عراق در نخستین گام، کوشید تا مشروعیت قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را زیر سؤال ببرد و دولت ایران را به تجدید نظر در قرارداد وادار کند. در این راستا، "لطیف جا سم"، وزیر اطلاعات وقت عراق، طی مصاحبه‌ای با «مجله المستقبل»، از ایران خواست تجدیدنظر در قرارداد الجزایر را که صدام حسین و شاه سابق ایران، آن را در سال ۱۹۷۵ میلادی امضاء کردند، بپذیرد. وی توضیح داد: «قرارداد مزبور برای عراق اجحاف آمیز است؛ زیرا ما ایمان قطعی داریم که شطالعرب رودخانه‌ای عراقی است» (Darvish & et.al, 1999: 138). سرانجام در تاریخ ۲۶ شهریورماه سال ۱۳۵۹، صدام طی نطقی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را در مقابل دوربین‌های تلویزیونی پاره کرد و در همان روز، طی یادداشتی که از سوی وزارت خارجه عراق به کاردار ایران در بغداد تسلیم شد، به طور یک جانبه قرارداد الجزایر را لغو کرد (Yekta, 1997: 34) آن گونه شد که قرارداد الجزایر هیچگاه حل و فصل قطعی اختلافات ایران و عراق را در پی نداشت.

ساخت یک دشمن، اولین قدم در طراحی و اجرای کدهای ژئوپلیتیک مورد نظر

درواقع مفاهیم و ایده‌های درگیر در جنگ در فرآیند زمان و با توجه به تحولات عرصه‌های دیگر جنگ تغییر می‌کند. به طور خاص تصمیم عراق برای تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ شیعه و سنی و عرب و عجم نمونه‌ای از گسترش مفهومی و ایده‌ای جنگ بود (Nayebi, 2001: 38). رژیم عراق سعی می‌کرد با هویت بخشی رادیکال به انقلاب ایران و برجسته کردن برخی مواضع و اقدامات تندروانه که توسط بخشی از حاکمیت ایران انجام می‌گرفت، جمهوری اسلامی را برهم زنده‌نات و آرامش در منطقه نشان دهد و رهبران عرب را به مقابله با آن تحریک کند. برای نمونه "ملک حسین"، شاه اردن معتقد بود انقلاب ایران می‌تواند خسارت‌های مالی فراوانی برای منطقه به بار آورد و رژیم‌های عرب را نابود کند و خشونت و ناآرامی را در همه جا دامن بزند (Nayebi: Ibid) به تعبیری هر گفتمانی به منظور هویت یافتن، ناچار شروع به تولید دشمن برای خود می‌کند (Soltani, 2008: 110). لذا مشاهده می‌شود که دولت عراق برای بهره‌برداری از این شرایط جدید، به بزرگ‌نمایی وقایعی همچون تصرف مسجدالحرام در مکه، شورش

شیعیان شرق عربستان، بمب‌گذاری‌های کویت و دیگر ناآرامی‌های کشورهای منطقه پرداخت و با منتصب کردن آن‌ها به ایران، کوشید تا دولت‌های عرب خلیج فارس را از روش‌های سیاسی ایران بیمناک کند. به دنبال تبلیغات مسموم عراق علیه ایران و افزایش تنش در منطقه، سران کشورهای عربی بیش از گذشته نگران تغییرات سریع منطقه و بی‌ثباتی آن شدند و به ناچار به قدرت نظامی عراق متوسل شدند تا در پناه آن، از نفوذ انقلاب اسلامی جلوگیری کنند.

صدام احتمالاً درصدد بود با حمله به ایران و تضعیف، تحقیر و یا سرنگونی حکومت برآمده از انقلاب، هم منبع خطر را تضعیف یا نابود کند و هم مردم عراق را متوجه یک دشمن خارجی کند (Hosseini, 2009: 64-65)؛ چرا که خطر نهضت شیعیان برای صدام بسیار جدی تلقی می‌شد. کما اینکه جنبش‌های سیاسی شیعیان عراق تحت تأثیر الگوی انقلاب اسلامی ایران، خیلی سریع انتفاضه را در جمعه بعد از بازگشت حضرت امام به تهران در بهمن ۱۳۵۷ تحت رهبری آیت الله صدر آغاز کردند (Nayebi, 2001: 132).

از نظر رهبران عرب، انقلاب ایران تمامی دولت‌های منطقه را به چالش کشید. لذا تحمیل جنگ از طرف عراق به ایران مورد حمایت تمامی کشورهای منطقه قرار گرفت. حجم عظیم کمک‌های مالی شورای همکاری خلیج فارس به عراق، اعم از وام و کمک‌های بلاعوض حدود ۳۵ تا ۴۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. باید یاد آور شد که تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، سیاستی بود که غرب به ویژه آمریکا بر اساس زمینه‌های موجود در منطقه و تشدید احساس نگرانی برای حکام منطقه از ناحیه انقلاب اسلامی و تجاوز شوروی، مطرح کرده بود (Hafeznia, 2005: 70).

بعدها پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام‌های عراقی مبنی بر «جنگ با ایران به تنهایی»، «ابوغزاله»، معاون اسبق رئیس جمهور و وزیر دفاع مصر، ادعای عراق را به عنوان یک دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت: «تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند.» (Farhang, 1985: 26) کشوری نظیر مصر که از نظر هر دو کشور عراق و ایران، به دلیل سفر به اسرائیل در ۱۹۷۷ و امضای قرارداد کمپ دیوید در ۱۹۷۸ و پیمان صلح در ۱۹۷۹ توسط انور سادات خائن به آرمان‌های اعراب و اسلام قلمداد شد، بعداً به تبع احساس خطر از گسترش دامنه مبارزات و فعالیت‌های بنیادگرایان اسلامی که ایران انقلابی حمایت از آن را جزو اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده بود و همچنین دستیابی به منافع اقتصادی وارد جبهه ضد ایرانی شد (Hosseini, 2002: 60). بیش از یک دهه از پایان جنگ؛ «حسنی مبارک»، رئیس جمهور مصر، اعتراف کرد: «۱۸ هزار سرباز مصری در کنار بعثی‌ها

در مقابل ایران می‌جنگیدند.» مصر همچنین قطعات یدکی و تسلیحات دیگری همانند ۲۵۰ فروند تانک «تی-۵۵» و «تی-یو-۱۶» و هواپیماهای بمب افکن «ایلووشین-۲۸» را در اختیار عراق قرار داد. در طول جنگ، عراقی‌ها در حدود ۲ میلیارد دلار سلاح از مصر خریداری کردند (Fili-Roudbari, 1996: 62). حتی سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) به رهبری عرفات، که رهبران انقلابی ایران از هیچ‌گونه کمکی به آن در مبارزه با اسرائیل دریغ نورزیده بودند، به محض آغاز جنگ جانب طرف عراقی را گرفت. بعداً در پی پیشروی‌های ایران در خاک عراق، شرایط تا جایی پیش رفت که تنها کشور عرب حامی ایران- یعنی سوریه، اعلام نمود نمی‌تواند تصرف بصره را قبول کند و در صورت تعرض ایران علیه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، در کنار اعراب قرار خواهد گرفت (Ul-Samarrai, 2001: 138-139).

عملیاتی کردن کدهای ژئوپلیتیک پس از ساخت و بازنمایی دشمن

"یولاکوست"، بازنمایی را سلاح مؤثر موجود در «زرادخانه ژئوپلیتیک» معرفی می‌کند: «سران ستیزه جو، برای توجیه ادعاها و حقوق خود بر یک سرزمین یا برای ترسیم راهبرد خویش، از بازنمایی‌های شخصی و جمعی بهره می‌گیرند و استدلال‌ها و توجیهات گوناگون (که در زرادخانه‌های ژئوپلیتیک موجود است) پناه می‌برند» (Lacoste & Giblin, 1999: 35). همه این وام‌گیری‌ها و پیش‌طراحی مفاهیم (نظیر بازنمایی و معرفی یک دشمن) مورد نظر از زرادخانه ژئوپلیتیک، به این خاطر است که بتوان به مقصود اصلی؛ که همان برنامه‌های تصویر ذهنی (کدهای ژئوپلیتیک) در راستای سرو سامان دادن به سیاست خارجی دلخواه است، نائل آمد.

اجمالاً، کسب جایگاه برتر منطقه‌ای با وجود انقلاب در ایران و انزوای مصر به سبب امضاء کمپ دیوید؛ غلبه بر چالش‌های ژئوپلیتیک با تصرف اروند جهت دسترسی به خلیج فارس و الحاق استان نفت‌خیز خوزستان سه کد ژئوپلیتیک (برنامه تصویری و ذهنی صدام و رژیم بعث) مورد بحث، در تهاجم به ایران بوده است.

کسب جایگاه برتر منطقه‌ای

مشخصاً با وقوع انقلاب در ایران که گمان ضعف و اضمحلال حکومت را نیز بیش از این نزد صدام تقویت می‌کرد، یک کد ژئوپلیتیک بالقوه برای صدام جهت فائق آمدن بر مشکلات پیش‌رو بود. از این جهت، وقوع انقلاب ایدئولوژیک در ایران مصداق «دشمن بالقوه و فعلی» بود. همچنین که عملکرد عراق برای جانشینی ژاندارم منطقه (رژیم اسبق شاهنشاهی) به مثابه یک کد ژئوپلیتیک دو سطحی قابل تعریف

بود. سطح اول این کد، سطح ملی بود که اهداف اصلی آن تثبیت حکومت بعثی صدام بود؛ چرا که در این دوره عراق از ابعاد گوناگون جمعیتی، اقتصادی و نظامی وزن ژئوپلیتیک لازم برای تبدیل شدن به قدرت برتر در منطقه‌ای برخوردار بود. جمعیت حدود ۱۴ میلیونی عراق در آن زمان به جز مصر از همه کشورهای عربی صادرکننده نفت بیشتر بود. غیر از این، عراق قبل از آغاز جنگ با صادرات ۳/۵ میلیون بشکه نفت در روز دومین تولیدکننده مهم اوپک بود و سالانه ۲۳ میلیارد دلار از این طریق کسب می‌کرد. از سوی دیگر، صدام جایگاه خود را در کشور عراق تثبیت کرده بود، کنترل شدیدی بر ارتش داشت و سیاست‌های داخلی حکومت سوسیالیست بعثی نیز در جهت حفظ قدرت او اجرا می‌شد. غیر از این توسعه اقتصادی نیز سبب تسریع اجرای طرح‌های ساخت و ساز، نوسازی کشاورزی و ایجاد صنایع پتروشیمی و فولاد گردیده بود. صدام همچنین در صدد بود با تأسیس یک نهاد پارلمانی یعنی مجلس ملی، بر نفوذ سیاسی خود بیفزاید. سطح دوم این کد ژئوپلیتیک توجیه حمله به ایران، حفظ برتری منطقه‌ای صدام و عراق بود. متها عراق برای اینکه بتواند جایگاه خود را در منطقه تثبیت کند به جنگ منطقه‌ای با ایران و کویت روی آورد و مصداق «چگونه می‌توانیم با دشمنان فعلی و تهدیدهای نو ظهور مقابله کنیم» (Taylor and Flint, 2000: 62) را آشکار به اجرا گذاشت. محققین غربی عموماً بر این باور هستند که وقوع انقلاب اسلامی و آثار و نتایج آن بیشترین تأثیر را در وقوع جنگ داشته است (Doroudian, 1996: 65). بدین معنی که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، بنای استراتژی آمریکا که بر دو ستون ایران و عربستان سعودی پی‌ریزی شده بود، فرو ریخت (Ledes & Louis, 1983: 301). رژیم شاهنشاهی ایران سرنگون شده و رقیب هژمون عراق از بین رفته بود، لذا فرصت مناسبی برای عراق فراهم آمد تا این کشور در جهت منافع خویش، جنگی سخت را آغاز نماید (Law Office of Ministry of Foreign Affairs, 1982: 78) تا ضمن دفع خطر احتمالی از ناحیه انقلاب شیعی ایران، هژمون خود را در منطقه به خوبی تثبیت کند. بر این اساس، "کلودیا رایت" در سال ۱۹۷۹ عراق را یک قدرت جدید در منطقه خواند و "ویلیام کواندت" در اوایل سال ۱۹۸۰ چنین نتیجه گرفت که: «عراق در دهه ۱۹۸۰ قطعاً قدرت برتر منطقه خلیج [فارس] خواهد بود» (Wright, 1980: 319).

ناسیونالیسم عربی؛ یک کد ژئوپلیتیک کارآمد جهت کسب حمایت حداکثری

ناسیونالیسم، مهم‌ترین نیرو در جامعه انسانی است که می‌تواند حیات ملی از دست رفته ملتی را به آن بازگرداند. اگرچه ناسیونالیسم فلسفه‌ای سیاسی است، از آن‌رو که در بحث جغرافیای سیاسی مورد توجه

قرار می‌گیرد زمینه جغرافیایی دارد که ایدئولوژی حکومت شمرده می‌شود. دیوید نایت در این زمینه گفته است که: «ناسیونالیسم، جغرافیایی‌ترین جنبش از جنبش‌های سیاسی است» (Knight, 1982: 514).

"ادوارد سعید" معتقد است که بخش اعظمی از گذشته در حال جاری است و اگر قدرت لازم وجود داشته باشد که بتوان با اتکای بر آن تاریخ را نوشت، دست‌کم مشخص می‌شود که دولت‌ها بر روی چه منافع مادی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، چه ایدئولوژی‌ها و روش‌هایی را اتخاذ کرده‌اند، چه احزابی گسترش یافته، چه گروه‌هایی تسلیم و جایگزین شده‌اند یا شکست خورده‌اند (Said, 1988) این‌گونه است که "ریچارد بولیت" در توضیحی قانع‌کننده چنین استدلال می‌کند که اعراب و فارس‌ها دشمنی دیرینه داشتند. منابع عراقی از ایرانی‌ها با اسم رمزهایی نظیر دشمن ایرانی و نژاد پرست یاد می‌کردند و ایرانیان باستان از هزاران سال پیش معتقد بودند اعراب انسان‌هایی بی‌تمدن، پابرنه و سوسمارخور هستند. کافی بود تا با توسل به یکی از این موارد- که سابقه‌ای طولانی در رقابت و هم‌چشمی قومی دارند- آتش جنگ افروخته شود (Bulliet, 1983:71). این حقیقت که ایرانیان شیعه مذهب و از نژاد پارسی هستند؛ بهانه مناسبی برای تبلیغات شدید جنگی و طراحی نمادهای رنگارنگ فراهم آورد.

اجمالاً صدام حسین قبل از اینکه به فکر گشایش نظامی و فتح سرزمینی باشد به جنگ ایده‌های شیعی — انقلابی مردم ایران آمد تا هم ایده‌های رادیکال عربی را در هویت ملت‌های منطقه تثبیت کند و هم موجودیت و هویت رژیم خود را در مقابله با دشمنان شیعی داخلی و خارجی تحکیم بخشد (Masoudi, 2009: 15). بنابراین ایجاد حربه ناسیونالیسم از سوی رژیم بعثی در راستای این سؤال از توجیه به کارگیری کدهای ژئوپلیتیک است که: «چگونه می‌توانیم متحدین خود را حفظ، و متحدین بالقوه‌ای را ایجاد کنیم» (Taylor & Flint, 2000: 62). از این منظر عراق تلاش می‌کرد تا به وحشت و هراس کشورهای عرب خلیج فارس از صدور انقلاب اسلامی ایران دامن زند و با استفاده از ضعف و ناتوانی این کشورها به‌عنوان «سپر ملل عرب» و «شم شیر جهان عرب» رهبری آن‌ها را به دست گیرد و خود را در کانون مبارزه با انقلاب اسلامی قرار دهد.

صدام برای به دست آوردن و حفظ این جایگاه باید با حربه‌هایی حمایت کشورهای خلیج فارس و سایر کشورهای منطقه را به دست می‌آورد. موضوع جزایر سه گانه و تبلیغ و تبدیل آن به یک اختلاف عربی- ایرانی از سوی عراق و به خصوص تقاضای استرداد آن از سوی حکومت بعث گواه مستندی بر

این مدعاست. در این چارچوب، با روی کار آمدن حکومت بعث، دیر زمانی نگذشت که ادعاهایی مبنی بر استرداد جزایر سه‌گانه از سوی رژیم بعث و صدام مطرح شد. بدین ترتیب، در اواخر تیرماه ۱۳۵۹/ژوئن ۱۹۸۰ صدام به عنوان رهبر مدعی جهان عرب چنین گفت: «اینک توانایی نظامی برای استرداد سه جزیره واقع در خلیج فارس که توسط شاه اشغال شده است را داریم. از زمان اشغال این سه جزیره هرگز ساکت ننشسته‌ایم و پیوسته خود را از نظر نظامی و اقتصادی برای پس گرفتن این جزایر آماده کرده‌ایم». در واقع، عراق برای جلب همکاری کشورهای عرب حوزه خلیج فارس - ضمن محکوم کردن سیاست‌های ایران، از دولت ایران خواست تا هرچه سریع‌تر نیروهای خود را از این جزایر سه‌گانه خارج کند (Darvish & et.al, 1999: 138). به نظر می‌رسد دولت عراق در تلاش بود بدین وسیله خود را خط مقدم جبهه عربی، علیه ایران مطرح نماید و کمک‌های مالی کشورهای عربی را به خود جذب نماید و از نظر سیاسی نیز آن‌ها را در کنار خود نگه دارد.



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی جزایر سه‌گانه

غلبه بر تنگناهای ژئوپلیتیک؛ حیاتی‌ترین کد ژئوپلیتیک مورد نظر صدام

به‌طور کلی می‌توان گفت که حدود و فعالیت هر کشور در امور بین‌المللی، اغلب به موقعیت جغرافیایی و ارتباط آن کشور با همسایگان خود^۱ اعم از کشورهای قدرتمند و ضعیف^۲ و همچنین مناسباتش با دولت‌های بزرگ جهانی بستگی دارد؛ به عبارت دیگر در مطالعه روابط بین کشورها و سیاست خارجی دولت‌ها پیش گرفتن یک راه و روش خاص به موقعیت‌های جغرافیایی آن‌ها قرار دارد (Ezzati, 2002: 79-80). در واقع بین سیاست خارجی دولت‌ها و عوامل جغرافیایی ارتباط وجود دارد. موقعیت جغرافیایی عراق از آغاز تأسیس این کشور نقش مهمی در سیاست خارجی آن داشته است. عراق

به واسطه تصنعی بودنش که محصول تصمیمات شورای عالی جامعه ملل (۱۹۲۰م) در شهر سان ریمو است (Mir Haider & et.al, 2013: 119) دسترسی محدودی به دریا دارد و یکی از اهداف آن برطرف کردن این تنگنای ژئوپلیتیک است. به طور طبیعی این موضوع بر رفتار سیاسی - نظامی این کشور تأثیر گذاشته و بازدارنده جدی بازیگری آن در این منطقه ژئوپلیتیک بوده و چاره جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی را به صورت هدفی آرمانی برای آن کشور درآورده است (Hafeznia, 2005: 257).



شکل ۱- دسترسی به دریا و تجارت دریایی به عنوان مهم ترین بخش پیشرو در ایجاد قدرت هژمون در طی

تاریخ

Source: Tlys & et.al, 2004: 186

درواقع تنگنای ژئوپلیتیک عراق در دسترسی به آب گرم، در شمار کدهای ژئوپلیتیک اصلی و مورد نظر صدام در حمله به ایران بود. این کد ژئوپلیتیک ارزشمند از دو حیث برای عراق حائز اهمیت بود؛ اول تسلط مطلق بر اروند که عراق احساس تعلق ژئوپلیتیک به این رودخانه حیاتی داشت؛ سپس دسترسی از این طریق به سواحل خلیج فارس.

۱- موقعیت دریایی عراق در دسترسی به خلیج فارس

دسترسی به آب‌های آزاد و استفاده از مزایای متعدد اقتصادی، سیاسی، نظامی آن همواره در طی تاریخ یکی از مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های قدرت ملی کشورها به قدرت‌های برتر و هژمون در نظام جهانی بوده است (Zarghani, 2009: 125). از این منظر کشورهایی که از مزیت دریا بی بهره‌اند (به غیر تعداد اندکی از کشورهای اروپایی)، اغلب کشورهای حاشیه‌ای و فقیری‌اند. از نظر جغرافیایی، عراق موقعیت نامطلوبی در خلیج فارس دارد. به همین دلیل این کشور در ابتدا تلاش می‌کرد تا با طرح هلال خصیب و ایجاد عراق بزرگ به دریای مدیترانه دسترسی پیدا کند. اما با عدم توفیق در این مورد معطوف به خلیج فارس گردید. عراق برای بهبود بخشیدن به وضعیت جغرافیایی خود در خلیج فارس و یا رفع تنگناهای ژئوپلیتیک، همواره خواستار الحاق کامل کویت یا بخش‌هایی از آن به خاک خود بوده است (Jafari-Waldeni, 2010: 45). به‌طور کلی طول سواحل این کشور در این منطقه حدود ۵۵ کیلومتر است که از تمام کشورهای حاشیه خلیج فارس کمتر است، همچنین، سواحل عراق، به دلیل عمق کمشان - البته، به استثنای خور عبدالله - برای ایجاد بندر مناسب نیستند و تنها از طریق دو بندر بصره و ام‌القصر امکان دسترسی عراق به خلیج فارس ممکن است، ضمن آنکه باید یادآور شد بندر بصره با فاصله ۱۲۰ کیلومتری از خلیج فارس واقع شده و از طریق اروندرود به این دریا متصل است، بندر ام‌القصر نیز در کنار خوری پر جزر و مد قرار گرفته و با جزایر وربه و بویان کویت احاطه شده است (Yekta, 1979: 80).



نقشه ۲- سواحل محدود و باتلاقی عراق و معضل دسترسی به آبهای خلیج فارس

هم‌اکنون نیز، دسترس آسان و گسترده به آب‌های آزاد خلیج فارس، در مقام فضای حیاتی و آرمان نظام‌های سیاسی به‌ویژه ایدئولوژیک این کشور عمل کرده و به رفتار سیاسی عراق جهت و معنا داده است. این وضعیت باعث شده تحدید حدود مرزهای دریایی در شمال خلیج فارس که به همکاری و تفاهم ایران، عراق و کویت نیاز دارد هرگز عملی نشود؛ زیرا عراق به دلیل وضعیت نامساعد کرانه‌ای انگیزه‌ای برای حل مسئله ندارد و منافع خود را در عدم حل و فصل آن ارزیابی می‌کند. و وضعیتی که همچنان دستاویزی برای تنش و مشاجرات در سال‌های آینده خواهد بود (Karimipour, 2000: 141).

۲- عراق و احساس تعلق ژئوپلیتیک به اروندرود

تعلق ژئوپلیتیک عبارت است از مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که به لحاظ ساختاری (فیزیکی) از تجانس برخوردار بوده و به لحاظ کارکردی تأمین‌کننده نیازها و کاستی‌های یک کشور محسوب می‌شود. تعلق ژئوپلیتیک به نوعی زیربنای علائق و منافع ملی کشورها را تشکیل می‌دهد و ناظر بر مواردی هست که با تمام یا بخشی از خصیصه‌های طبیعی و انسانی کشور تجانس و همگونی دارند و یا مواردی هستند که تأمین‌کننده احتیاجات کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، ارتباطی، فرهنگی، اجتماعی، دینی، علمی، تکنولوژی، نظامی، امنیتی، حیثیتی و یا زیست محیطی می‌باشند و کشورها به آن‌ها دلبستگی و علاقه دارند (Hafeznia, 2011: 120). آبراه اروندرود اهمیت استراتژیک بسیار زیادی برای عراق داشت و کشمکش‌هایی که پس از تشکیل کشور عراق تا انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بین ایران و عراق وجود داشت، گواهی بر تعلق ژئوپلیتیک شدید عراق بر اروندرود است. هر چند قوانین بین‌الملل حاکمیت دو کشور بر اروندرود را مساوی می‌دانست، اما عراق مدعی مالکیت کامل بر تمامی رودخانه بود و مرز دو کشور را ساحل ایران و نه در امتداد خط تالوگ می‌دانست که این ادعا نه مبنای حقوقی دارد و نه عملی است؛ زیرا با این فرض، اروندرود جزء آب‌های داخلی عراق به شمار می‌آید که در این حالت حق استفاده ایران برای کشتیرانی، ماهیگیری و برداشت آب از این رودخانه باید با اجازه و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام شود. نزدیک به ۱۳ رودخانه در طول مرز مشترک ۱۶۰۰ کیلومتری ایران و عراق حالت رودخانه مشترک مرزی دارند که در همه آن‌ها خط منصف به عنوان مرز مشترک پذیرفته شده است (Kaviani-Rad, 2010: 85-86).

در هر صورت عراق از تابعیت قانون بین‌الملل سر باز زده بود و این استثناء غیرقانونی را برای اروندرود قائل بوده است، دلیل اصلی این مسئله محدودیت‌های زیادحوزه مانور عراق در خلیج فارس از

نظر نظامی و بازرگانی بود. تنها راه جبران این محدودیت‌ها، تسلط غیر قانونی بر آبراه اروند رود بود. غیر از این اهمیت صد چندان اروند رود برای عراق از آنجایی است که عراق هیچ رودخانه‌ای ندارد که از داخل خاک آن کشور سرچشمه گرفته باشد. رودخانه‌هایی که وارد عراق می‌شوند، از ایران و ترکیه سرچشمه می‌گیرند. از خاک ترکیه رودهای دو رودخانه اصلی دجله و فرات سرچشمه گرفته و وارد خاک عراق می‌شوند (Ezzati, 2002: 25). و از خاک ایران رودخانه‌هایی (به شرح جدول-۱) نظیر: آوارچای، لاورین چای، بانه چای، همچنین رودهای چومان و شیخان که شاخه‌های اصلی زاب کوچک‌اند؛ نیز قزل سو و رودخانه‌های شم شیر، لیل، زمکان، آب زر شک، هوا سان، الوند، قوره پور، دیره، تنگاب، چم امام حسن، کنگاگوش، کانی شیخ، سده، تلخ آب، گدارخوش، چم سرخ، کنجان چم، گاوی، چنگوله، میمه و دویرج، به خاک عراق وارد می‌شوند (Nami & Mohammad Poor, 2008: 334).

جدول ۱- ویژگی‌های برخی از رودخانه‌های مرزی ایران و عراق

ردیف	نام رودخانه	موقعیت جغرافیایی	نام درازا در ایران (کیلومتر)	مرز مشترک ایران و عراق (کیلومتر)
۱	زاب کوچک	آذربایجان غربی	۱۵۵	۴۵
۲	قزله سو	کردستان	۲۸	۱۵
۳	کنگاگوش	کرمانشاه	۷۹	۷۵
۴	الوند	کرمانشاه	۱۱۷	۵۵
۵	قوره تو	کرمانشاه	۴۵	۳۴
۶	زیمکان	کرمانشاه	۱۰	-
۷	سیروان	کرمانشاه	۹۵	۴۲
۸	چنگوله	ایلام	۸۲	-
۹	تلخاب	ایلام	۵۰	۴
۱۰	کنجان چم	ایلام	۶۹	۲۰۵
۱۱	دویرج	ایلام	۲۰۲	۲۵
۱۲	میمه	ایلام	۱۶۱	۲۵

Source: Jafari Walden, 2009: 66

با این حال از گذشته دسترسی مناسب بسیاری از کشورهای خاورمیانه به آبهای آزاد و عدم دسترسی عراق به این مزیت ژئوپلیتیک بزرگ، این عامل را به عنوان یک خلاء ژئوپلیتیک بزرگ در ذهن

سیاست‌مداران و رهبران کشور عراق برجسته کرده بود. این شرایط و ویژگی‌ها، یکی از چالش‌های مهم ژئوپلیتیکی عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی است. شرایط و دشواری‌های دسترسی به آب‌های گرم، (خلیج فارس) باعث شده است که عراق برای برون‌رفت از احساس محاصره در خشکی به نوعی نسبت به اروند رود احساس تعلق داشته باشد؛ این در حالی بود که اروند تنها رودخانه قابل کشتیرانی برای عراق جهت ورود به عرصه دریا است. در واقع چاره‌جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی به هدفی آرمانی برای عراق مبدل شده است (Hafeznia, 2005: 258).

۳- فضای حیاتی خوزستان، یک کد ژئوپلیتیک توسعه‌طلبانه

نظریه لبروم یا فضای حیاتی ناظر بر وضعیت است که دولت‌ها با توجه به تعریفی که از وضعیت موجود و وضعیت مطلوب دارند به تدوین استراتژی ژئوپلیتیک می‌پردازند که عموماً نیز با خشونت، جنگ و تصرف سرزمینی همراه است (Kaviani-Rad, 2010: 81). "آن چرچیل سمپل" به صراحت چنین می‌گوید: «دولت ملی، نظیر یک موجود زنده، در جهت بقا، به‌طور طبیعی باید با همسایگان خود به مبارزه برخیزد، روشن است که در این مبارزه، بقا اصلح مشروع شناخته می‌شود» (Shakuie, 2007: 17).

در همین راستا برخی از جغرافی‌دانان سیاسی نظیر راتزل، توسعه سرزمینی را روشی ضروری برای دستیابی به فضای حیاتی مورد نیاز یک ملت معرفی کردند. از نظر راتزل، فضای حیاتی، در برگیرنده فضایی است که توسط ملتی که جمعیت آن رو به فزونی است باید اشغال شود (Agnew, 1999: 105). همین تفکرات به وسیله افرادی مانند "هاوس هافر" به "هیتلر" منتقل شد و زمینه‌ساز اصلی تجاوزگری آلمان نازی و جنگ دوم جهانی شد. در چارچوب همین تفکر، از نظر رهبران حزب بعث و شخص صدام، توسعه طلبی این کشور و الحاق بخش‌هایی از سرزمین کشور ایران و کویت به کشور عراق، مهم‌ترین عامل تبدیل شدن این کشور به قدرت منطقه‌ای بود. بدین سان، فضای حیاتی و مقاصد توسعه‌طلبانه دولت عراق به حاکمیت مطلق بر اروندرود خلاصه نمی‌شد، بلکه این رژیم نسبت به خوزستان ایران نیز چشم طمع داشت. به عنوان مثال، "صالح مهدی عماش"، معاون نخست وزیر و وزیر کشور عراق، در سال ۱۹۶۹ اظهار داشت: «عراق هرگز به‌طور جدی در مورد شط‌العرب با ایران اختلاف نداشته است، شط‌العرب جزئی از خاک عراق است. اختلاف در مورد عربستان [خوزستان] بوده که قسمتی از خاک عراق است و در دوره قیمومیت خارجی ضمیمه ایران شده و برخلاف خواست مردم عراق، اهواز نامیده می‌شود (Chubin and Zabih, 1974:188)

خوزستان به عنوان کانون اقتصادی و نفتی، داشتن بنادر (آبادان، خرمشهر) با دسترسی به رود بهمنشیر، ماهشهر، امام‌خمینی (ره)، و وجود رودهای کارون، کرخه، دز، هندیجان، جراحی، مارون و اروند، که عموماً از پرآب‌ترین رودهای ایران هستند، و زمین‌های کشاورزی حاصل خیز آن، از اهمیت ژئوپلیتیک بسیار بالایی برخوردار بود. تصرف خوزستان، افزون بر حل تنگنای ژئوپلیتیک عراق در دسترسی به خلیج فارس، مخازن و منابع سرشار نفت ایران را در اختیار عراق قرار می‌داد. همین عوامل موجب شده‌اند که این منطقه به واسطه موقعیت ژئوپلیتیک خاص خود، همواره مورد توجه حکومت‌های داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد (Hosseini, 2009: 34). عراق می‌کوشید با القای آموزه‌های «پان عربیسم» و جذب نواحی عرب‌نشین موجبات جدایی خوزستان را فراهم کند؛ چنین اقدامی موجب شد تا زمامداران عراق در اشغال عراق برای همراهی و کمک اقلیت عرب استان اهمیت ویژه‌ای قائل شوند. به عقیده آنان این همراهی سبب می‌شد تا اشغال خوزستان رنگ آزادسازی به خود بگیرد. از این رو در گام اول عراق سعی در تحریف تاریخ خوزستان می‌کرد-که در این خصوص به چاپ نقشه‌هایی از کشور خود اقدام کرد که خوزستان نیز به نام عربستان، جزء آن بود (Rashidi, 2009: 24). البته تاریخ جنگ گواهی داد که مردم خوزستان طی جنگ هشت ساله (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، به رغم تقاضای یاری صدام حسین از آنان برای قیام علیه نیروهای ایرانی و خاتمه دادن به آنچه در قاموس ملی گرایان عرب «اشغال منطقه از سوی ایرانیان» نامیده می‌شود، وفاداری خویش را به ملیت ایرانی‌شان به اثبات رساندند (Mojthedzadeh, 2010: 209).



نقشه ۳- استان خوزستان [با نام عربستان] در نقشه‌های چاپ عراق

تجزیه و تحلیل

کدهای ژئوپلیتیک را دستور کار سیاست خارجی یک کشور دانسته‌اند، که آن کشور بر اساس ماهیت اهدافش و وزن ژئوپلیتیک خود کدهایش را تعریف و باز تعریف می‌کند. بسته به وزن ژئوپلیتیک و ژرفای ژئوپلیتیک کشورها، آن‌ها یکی دو یا هر سه حالات؛ کدهای محلی، منطقه‌ای و جهانی را دارند، به صورتی که کشوری با قدرت تأثیرگذاری جهانی نظیر ایالات متحده دارای توان و مانور زیادی در طراحی و مهم‌تر از آن اجرای آن تمهیدات (نقشه ترسیم) است دارای وضعیت سه سطحی از کدهای مذکور است. یکی دیگر از ماهیت کدهای ژئوپلیتیک در تعریف، جنبه ذهنی بودن و دستوری بودن آن است؛ این جنبه از این حیث مهم است که ابزارهای تصمیم‌گیری سیاست خارجی هر کشوری و بر اساس ماهیت تصمیمات مأخوذه از سوی فرد یا افرادی (اشخاص نخبه، رهبران کاریزما، دیکتاتورها و...) متفاوت است. در کشور دموکراتیک، آراء، دستورات و تصمیمات بر اساس عقل و خرد جمعی گرفته می‌شوند، در حالی که کشورهایی با حکومت مطلقه یا دیکتاتوری چنین نیستند. اینگونه قابل ارزیابی است که - تصمیمات وقت حکومت بعثی نه بر اساس ابزارهای واقعی عراق (وزن واقعی کدهای آن کشور)، بلکه بیشتر بر اساس ذهنیات و آمال صدام و حزب بعث بودند. عراق وقت به‌طور خاص، فاقد اندیشه سیاسی لازم جهت گرد آوردن ملت زیر چتر فراگیر حکومتش بود- لذا حکومت نه متعلق به همه مردم، بلکه متعلق به حزب بعث به تنهایی و برخی از ناسیونالیسم‌های متعصب عرب بود، لذا مشاهده شد که صدام در هنگامه حکومت بعثی، شیعیان را به بهانه حمایت از ایران اخراج و سرکوب کرد و در طول حیات حکومتش جمعیت زیادی از کردها را به قتل رساند. صدام با ایران به جنگ منطقه‌ای می‌پرداخت، حتی اگر بهانه‌ای مثل قرارداد الجزایر در کار نبود. شرایط مطلوب پیش آمده، ناشی از انقلاب در ایران و انزوای مصر (به سبب کمپ دیوید) بهانه را برای تصویرسازی و برجسته‌سازی صدام از انقلاب ایران مهیا ساخت تا با حمایت کشورهای عربی شکل خشنی از انقلاب ایران را ترسیم نماید. این مطلوبیت می‌توانست صدام را به آرزوی‌های باطنی‌اش (کدهای ژئوپلیتیک مورد پسندش) در تصرف اروند و ورود به خلیج فارس (رفع حصر در خشکی)، تسلط و ضمیمه کردن خوزستان (با حمایت اعراب خوزستان)، هرچه بیشتر نزدیک سازد. بنابراین محاسبات صدام از شرایط ایران (هرج‌مرج داخلی، سقوط ارتش و ضعف قوای نظامی، تحریم‌های بین‌المللی)؛ به سببی که نه حاصل خرد جمعی و برداشت صحیح از جغرافیا و شرایط ژئوپلیتیک ایران؛ بلکه رویاهای حزب بعث، صدام و پادشاهان عرب بود و هیچگاه به وقوع نپیوست؛ اینگونه

است که برداشت و نگرش سطحی از شرایط یک کشور می‌تواند چه عواقب خطرناکی را در برداشته باشد.



شکل ۲- تصورات و متغیرهای دخیل در شکل‌گیری تهاجم عراق علیه به ایران (نویسندگان)

نتیجه‌گیری

بسیاری از ناظران معتقدند که تصمیم صدام حسین برای حمله به ایران اشتباه محاسباتی شخصی وی براساس جاه‌طلبی و احساس آسیب‌پذیری بود. شاید بتوان گفت یکی از دلایل کج‌فهمی‌های صدام، نگرش آرمان‌گرایانه، کوتاه‌بینانه و تحریف‌شده او در خصوص سیاست منطقه و جهان بود. او به دلیل ماهیت ابزارهای تصمیم‌گیری‌اش، با واقعیت‌های سیاسی بیگانه بود و بنابراین براساس آرمان‌ها و

جاه‌طلبی‌های (پیش فرض‌های ذهنی‌اش) خود عمل می‌کرد و در نهایت به سمت محاسبات غلط و اشتباهات فاحش کشانده شد. صدام که از امضاء عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر احساس خشم و حقارت می‌کرد در پی فرصتی می‌گشت تا آرمان‌های بلند پروازانه خود را محقق سازد. "دانیل پیپس" تأکید می‌کند: «حتی اگر عراق و ایران همگون و متجانس بودند، حتی اگر عراق با مشکل شیعیان مواجه نبود، موضوع ارونند رود برای وقوع جنگ کافی بود». سرانجام تحولات محیط سیاسی ایران، یعنی سقوط حکومت پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی این فرصت تاریخی را برای صدام فراهم ساخت تا بتواند با تصویر سازی از ماهیت ایدئولوژیک بودن انقلاب ایران، حس ناسیونالیستی اعراب را برانگیزد و ائتلافی از کشورهای عربی به رهبری خود علیه ایران به راه بیندازد؛ لذا صدام قضیه جزایر سه‌گانه را پیش کشید و آن‌ها را جزایر عربی معرفی کرد که توسط ایران غصب شدند، خوزستان را عربستان خواند و ارونند رود را رودخانه‌ای عراقی عنوان کرد. البته غیر از موارد فوق، معضل حقارت ژئوپلیتیکی و خط نامناسب ساحلی در خلیج فارس، مانع همیشگی این کشور برای ایفای نقش کلیدی در منطقه بوده و هم‌اکنون نیز هست - به طوری که خط محدود ساحلی عراق، این کشور را در دسترسی به آبهای آزاد خلیج فارس (یکی از کدهای اصلی تهاجم صدام) عملاً با مشکلاتی مواجه ساخته است. چرا که گسترش خط ساحلی و دسترسی مناسب به آبهای ساحلی خلیج فارس تنها از طریق انضمام خوزستان ایران به عراق و یا حداقل حاکمیت انحصاری این کشور بر ارونند رود امکان پذیر بود. این گونه می‌توان گفت که محدودیت‌های ژئوپلیتیک، همواره کشورها را در موقعیت سخت تصمیم‌گیری قرار می‌دهند که به ناچار یا تحت شرایطی خاص استراتژی جنگ طلبی را ارجح می‌دانند. محیط تنگ ژئوپلیتیک عراق نیز از چنین ویژگی‌هایی برخوردار بوده است - تا جایی که تصورات و برداشت غلط و بلند پروازانه صدام، از محیط ژئوپلیتیک همسایگان (ایران و کویت) نه تنها اهداف وی را محقق نکرد، بلکه عراق را بیش از گذشته منزوی و آسیب پذیر ساخت.

کتابنامه

1. Ahmadian, M. A. (2009). *Geographical trait of Islamic Countries*, (4th Edition), Mashhad: Sokhan Gostar Publication. [In Persian]
2. Ardestani, H. (1999). *Iran-Iraq war: Battle Strategies*, Tehran: Army of the Guardians of the Islamic Revolution Supreme War period. [In Persian]
3. Agnew, j. (1999). *geopolitics: re-visioning world politics*, London: Rutledge
4. Bulliet, R.W. (1983). *Time, Perception, and Conflict Resolution, in The Iran-Iraq War: New Weapon, Old Conflicts*, edited by: Tahur-Kheli, S. & Ayubi, S, (New York: Praeger, 1983)

5. Cordesman, A. & Wagner, A.R. (2010). *Lessons from Modern Warfare; Iran - Iraq war*, (Yakta, H Trans), Tehran: Marzoboum Publication. [In Persian]
6. Carter, A. S. & McCormack P. D. (2006). Film, geopolitics and the affective Logics of intervention. *Political Geography*, 25, 228-245.
7. Chubin, S. & Sepehr, Z. (1974). *The Foreign Relations of Iran*, Berkeley: University of California Press.
8. Doroudian, M. (2004). Of the persistence of war, Tehran: Studies Center Army of the Guardians of the Islamic Revolution of Research war. [In Persian]
9. Doroudian, M. (1996). Of the invasion causes and stop the of Iraq: study Of Current Theories, *Defense policy quarterly*, 3 &4, 1-31. [In Persian]
10. Darvish, F & et.al. (1999). *Roots of War (Analysis of the Iran-Iraq war)*, Tehran: studies center and war Research. [In Persian]
11. Ezzati, E. (2007). *New ideas in the geopolitical Geography*, Tehran: Ghomes Publication. [In Persian].
12. Ezzati, E. (2002). *An analysis of the geopolitics of Iran and Iraq*, Tehran: Institute for Political and International Studies; Ministry of Foreign Affairs Publication. [In Persian]
13. Flint, C. (2011), *Introduction to Geopolitics*, (Ghalibaf. M.B & Poyandeh., M.H Trans), Tehran: Ghomes Publication. [In Persian].
14. Fili-Roudbari, S. (1996). *The Green Kuwait Book*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publication. [In Persian].
15. Farhang, M. (1985). The Iran-Iraq war: The Feud, The Tragedy, The Spoils, *World Policy Journal*. 2.
16. Hafeznia, M.R & Kaviani-Rad, M. (2014). *Political Geography philosophy*, Tehran: Institute for Strategic Studies Publication. [In Persian].
17. Hafeznia, M. (2011). *Principles and Concepts of Geopolitical*, (3th Edition), Mashhad: Publication of Papoli. [In Persian].
18. Hafeznia, M. (2005). *The Persian Gulf and the strategic role Strait of Hormuz*, Tehran: SAMT Publication. [In Persian]
19. Hosseini, H. (2009). *The causes Investigate of the war Iran and Iraq*, Analysis of the Iran-Iraq war Researches, The origins of the invasion, Tehran: Publications Documentation Center and Guardians of the Islamic Revolution Supreme. [In Persian].
20. Hosseini, M. (2002). Egypt's role in the Iran-Iraq war, *Iranians Negen Quarterly*, (*Iran-Iraq War Professional Journal*), 1(1), 60-71. [In Persian].
21. Helmas, C. M. (1984). *Iraq: Eastern Flank of the Arab World*, (Reviewed by: Saunders, S.H), Washington: The Brookings Institution.
22. Jafari-Waldeni, A. (2010). The role of Iraq geopolitical dilemmas in the invasion of Kuwait, *Geopolitics Quarterly*, 6(3), 45-69. [In Persian].
23. Jafari-Waldeni, A. (2009). Use of water resources of border Iran and Iraq Rivers and international law, *law Research and political Quarterly*, 11(26), 63-92. [In Persian]
24. Jafari-Waldeni, A. (1991). *The historical investigation of the Iran-Iraq border disputes*, Tehran: Office of Political Studies and international. [In Persian].

25. Kaviani-Rad, M. (2010). Lebensraum in Geopolitical Strategy of Iraq during Saddam Regime, *Iranians Negen Quarterly, (Iran-Iraq War Professional Journal)*, 8(32), 71-84. [In Persian].
26. Karimipour, Y. (2000). *Introduction to Iran and neighbors (Source of tension and threat)*, Tehran: Tarbiat Moalem Publication. [In Persian].
27. Lacoste, Y. & Giblin, B. (1999). Factors and thoughts in Geopolitics, (Frasati, A., Trans), Tehran: Amen publishing. [In Persian].
28. Lobachevsky, G. (1998). *Middle Eastern History*, (Jazayri, H Trans), Tehran: Eghbal Publication. [In Persian].
29. Ledes, M & Louis, V. (1983). *Defeat or The failure notorious of America*, (Samii Gilani, A Trans), Tehran: Nasher Publication. [In Persian].
30. Mir Haider, D & et al. (2013). Foundations of Geopolitical Geography, (19th Edition), Tehran: Saamt Publication. [In Persian].
31. Mojthedzadeh, P. (2013). *Geopolitics Philosophy and Application (Concepts and Theories in the Age of Virtual Space)*. Tehran: publication of Saamt. [In Persian].
32. Mojthedzadeh, P. (2010). *Boundary Politics and International Boundaries Of Iran*, (Malek Mohammadi, H Trans), Tehran: Saamt Publication. [In Persian].
33. Mojthedzadeh, P. (1993). Countries and borders in the geopolitical region of Persian Gulf, (Malek Mohammadi, H. Trans), Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publication. [In Persian]
34. Masoudi, H.A. (2009). War from the perspective of the theory of constructivism; Role of the Identity perceptions in Iraq Decision-making system, *Iranians Negen Quarterly, (Iran-Iraq War Professional Journal)*, 8(29), 9-16. [In Persian].
35. Mansouri Larijani, E. (2003). *Sacred Defense History*, Qom: Khadem al-Reza Publication. [In Persian].
36. Nami, M.H & Mohammad Poor, A. (2008). *Geography of Iraq Country; with an emphasis on geopolitical problems*, Tehran: Armed Forces Geographical Organization. [In Persian].
37. Nayebe, A. (2001). *Iraq and the reasons for resorting to war in the 80s and 90s*, International relations thesis Msc, Tehran: College of Law and Tehran University Of political science. [In Persian].
38. O'Loughlin, J. & et.al. (2004). A Risky Westward Turn? Putins 9 ° 11 Script and ordinary Russians, *Europe-Asia Studies*, 56, 3° 34
39. Office Law of the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran. (1982). *Analysis of the Iraqi imposed war against of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. [In Persian].
40. Qalibaf , M.B. & Por-Mousavi , S.M.(2008). New geopolitics of the Middle East And Iran's foreign policy, *Huoman Geography Research Quarterly*, 66, 53-69. [In Persian].
41. Rashid, G.A. (2009). *The impact of geopolitical factors in the Iranian defense strategies in against Iraq*, Tehran: Studies Center Army of the Guardians of the Islamic Revolution of Research war. [In Persian].
42. Soltani, S.A. (2008). Power Discourse and Language; Mechanisms of power in the Islamic Republic of Iran, Tehran: Ney Publication. [In Persian].

43. Shakuie, H. (2007). *New ideas in geography philosophy, Environmental philosophies and geographical schools*, Tehran: Gitashenasi Publication. [In Persian].
44. Shahid-zadeh, H. (1999). *Gift of the Time*, Tehran: Alborz Publication. [In Persian].
45. Said, E. (1988). *Foreword, in Selected Subaltern Studies*, (edited by: Guha, R. & Spivak, G.C), New York: oxford University Press.
46. Sany-Nejhad, G.R. (1994). *Roots of Iraq's invasion to Iran*, Tehran: Proceedings of Imposed war, Command College and Staff. [In Persian].
47. Tlys et. al. (2004). *Measure of national power in the post-industrial age*, (Hosseini, S.S., Trans), Tehran: Abrar Moaser Studies Cultural Institute and international research. [In Persian].
48. Taylor, P. J, Flint, C. (2000). *Political Geography: Word- Economy, Nation-State, and Locality*, Fourth Edition, Harlow: Prentice-Hall
49. Taylor, P. (1994). *Political Geography*, England: Longman Scientific & Technical.
50. Ul-Samarrai, V. (2001). *The devastation of the east gate*, (Gharouni, A., Trans), Tehran: Markaz Publication. [In Persian].
51. Velayati, A.A. (1997). *Political history of the war of Iraq against Iran*, Tehran: Islamic Culture Publications Office. [In Persian].
52. Wright, C. (1980). *Iraq: New Power in the Middle East*, Foreign Affairs 58 (Winter 1979-80):257-77; William B. Quandt, *Setting National Priorities: Agenda 980s* (Washington, D.C: Brookings, 1980).
53. Yekta, H. (1997). *Iraq's political and military actions against Iran before the incidence of war (Islamic Revolutionary, Imposed War and the international system)*, Tehran: Print Center and Organization of Islamic publishing. [In Persian].
54. Zarghani, S.H. (2009). *An Introduction to the Understanding of National Power*. Tehran: Institute for Strategic Studies Publication. [In Persian].
55. Zarghani, S.H. (2007). *Introduction to international boundaries recognize*, Tehran: Military science Naja University. [In Persian].